



همزمان با حضور مایک پمپئو در تایوان، معاون بایدن در نمایش ژاپن شرکت کرد؛

بازی دموکرات‌ها

و جمهور یخواهان

بیخ گوش پکن

جهان ۳

برخی ریشه‌های اعتراضات این روزها از نگاه علی ربیعی؛

فقر و نابرابری

و ندیدن تغییرات ارزشی

نسل جدید

همین صفحه



شرکت‌های تامین نیروی انسانی
با قدرت مشغول کارند

کارگران پیمانی؛

اسیر در چرخه امیدواری و یأس

دسترنج ۴

از سوی عربستان، آلمان، بریتانیا و آمریکا
صور ت گرفت

**محکومیت حملات ایران
به اقلیم کردستان عراق**

و پاسخ کنعانی

سیاست ۲

**یک مرکز آموزشی در غرب
کابل در انفجار انتحاری**

به خون غلتید

جهان ۳

در بیانیه انجمن تجارت الکترونیک تهران اعلام شد؛

**۴۰۰ هزار کسب و کار
در معرض نابودی**

شهرنوشت ۶

۶ نکته از یک جدال تماشایی در سیرجان

هیجان و دیگر هیچ!

آدرنالین ۷

ایران در قهقرای فهرست رتبه‌بندی کشورها بر اساس سطح آزادی رسانه‌ها قرار گرفت

بازداشت روزنامه‌نگاران شاهدی بر یک مدعا

کنار بازداشت‌های بسیاری از شهروندان به اتهام اغتشاش و اعتراضات خیابانی، تعدادی از روزنامه‌نگاران هم بازداشت شدند. البته نه در خیابان. نیلوفر حامدی، الهه محمدی، یلدا معیری، فاطمه رجبی، ویدا ربانی، علیرضا خوشبخت، زهرا توحیدی، روح‌الله نخعی از روزنامه‌نگاران و عکاسان بازداشتی این روزها هستند. هر چند در تماس‌های تلفنی این فعالان رسانه‌ای با خانواده‌هایشان مشخص شده که هنوز تفهیم اتهام نشده‌اند، اما به نظر می‌رسد جرم اغلب آنها به مصادره موبایل می‌شود که جزو وظایف شغلی‌شان تعریف شده است. یلدا معیری از عکاسان بازداشتی این روزهاست که یکی از تصاویر او از اعتراضات این روزها در تهران فراوان باز نشر شد.

به تازگی نمودار، رتبه‌بندی کشورها بر اساس سطح آزادی رسانه‌ها در سال ۲۰۲۲ منتشر شد و در قهقرای این لیست بلندبالا نام سه کشور به چشم می‌خورد؛ کره شمالی، اریتره و ایران!

شاید بسیاری بگویند خب نیازی به رتبه‌بندی جهانی هم نبود؛ مرور اخبار همین روزها هم شاهدی است بر این مدعا. تنها در یک هفته اخیر بیش از ۱۰ خبرنگار و عکاس بازداشت شده‌اند. افرادی که به نظر می‌رسد جرمشان اطلاع‌رسانی بوده؛ موردی که وظیفه ذاتی رسانه و به تبع آن فعال رسانه‌ای است. در حدود دو هفته‌ای که از مرگ مهسا امینی دختر ۲۲ ساله سقزی در بازداشت گشت ارشاد و شروع اعتراضات در کشور می‌گذرد، در

شهرنوشت ۶

بیش از ۲۰۰ تن از گروه‌های مختلف دستگیر شده‌اند

بیانیه وزارت اطلاعات

پیرامون حوادث اخیر کشور

سیاست ۲



سیاست ۲

نماز جمعه شهر به آشوب کشیده شد

ده‌ها کشته و زخمی در تیراندازی زاهدان

گفت و گو

تحول جویی و مطابقت هنجاری و حتی پذیرفته شده نیز انسداد ایجاد شده است. برای اینکه حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه را حتی در جزئیات رفتاری از حوزه خصوصی جدا کرده در حوزه فلسفه حکومت تعریف می‌کنیم، این برای ساختار رسمی قدرت چالشی شده و دارد رودر روی ایجاد می‌کند اما در جاهای دیگر دنیا رودر رویی ایجاد نمی‌کند. همان گونه که گفتیم ساخت پدیده‌ها در کشور ما به هم ریخته است. به علت اینکه حوزه تغییرات ارزشی فرهنگی و سبک زندگی را با کلیت نظام گره زده‌ایم، با فلسفه وجودی گره زده‌ایم لذا حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی ناخودآگاه به حوزه سیاسی کشانده شده‌اند و در نهایت برای اینکه تهدید دیده شده‌اند، در ساخت امنیتی حل و فصل می‌شوند.

علت دوم هم در به هم تنیدگی ساخت‌های عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و امنیتی بازمی‌گردد. یک سنت غلط حکمرانی شکل گرفته است. به عنوان مثال در ناکارآمدی اقتصادی به جای بحث در مورد منطق اقتصادی یا نهایتاً رفتار مصرف‌کنندگان به سرعت به دنبال کارشکنی «توطئه» می‌رویم. یعنی راه حل عرصه اقتصاد به سرعت به عرصه امنیتی می‌رود و خطر ناک‌تر از همه وقتی یک نسل با دو نسل با تغییرات وسیع ارزشی و فرهنگی و سبک زندگی و تغیر در نوع نگاه از نگاه به خود تا به کل جهان و به زندگی پدید آمده‌اند، راهکار در بازدارندگی دیده شده به حوزه امنیت سپرده می‌شود یعنی به جای تأمل در سیاست‌ها، تجدیدنظر در فرآیند سیاست‌گذاری‌ها و برنامهریزی منطبق با تغییرات به سراغ راه حل مسدودکننده رفته‌ایم. مسئله پوشش و نوع آن که این روزها کانون مسئله زنان شده، یکی از مصادیق روشن از به هم تنیده کردن عرصه و ساخت فرهنگ به امنیت است. پدیده اول سیاسی می‌شود و چون احساس می‌شود که پوشش تبدیل به مقابله سیاسی شده، بعد در ناکارآمدی سیاست‌گذاری مسئله به ساخت امنیت کشانده شده و می‌شود بحران اجتماعی.

■ **در این زمینه دو نوع نتیجه‌گیری داریم. عده‌ای معتقدند جوانان دارند به سمت بی‌دینی می‌روند. عده دیگری هم می‌گویند چون مناسک دینی گسسترش پیدا کرده، اتفاقاً نسل‌های جدید دارند به سمت دینداری می‌روند. شما کدامیک از اینها را قبول دارید یا به نظر سوم قائل هستید؟**

خیلی‌ها می‌گویند این جامعه دارد بی‌دین می‌شود ولی من معتقد به بی‌دینی نیستم. مطالعات نشان می‌دهد نوعی دینداری به سبک جدید و شکلی از معنویت‌گرایی نوین دارد پدید می‌آید. در تحقیقاتی که در مورد تغییرات ارزشی صورت گرفته به این رسیده‌اند که این نسل تشکل‌پذیر هم نیست. حتی در حوزه مطالعات کارگری، شواهد نشان می‌دهد که کارگران نسل جدید با کارگران قدیم کاملاً متفاوت شده‌اند. کارگران با تیپولوژی قدیم درک ساختاری مشخص و نیازهای معلوم و رفتارهای شناخته شده داشتند. بیشتر به دنبال ارزش‌های بقا بودند اما کارگران نسل جدید اصلاً دیگر تمایلی به عضویت در اتحادیه‌های بزرگ نیستند.

ادامه در صفحه ۵



برخی ریشه‌های اعتراضات این روزها از نگاه علی ربیعی؛

فقر و نابرابری و ندیدن تغییرات ارزشی نسل جدید

تبدیل و عامل جسارت‌دهنده‌ای شد که تقریباً ۱۳۰ الی ۱۴۰ شهر کوچک ما دستخوش ناآرامی و حوادث شدند. تعبیری در جامعه‌شناسی ارتباطات به عنوان «مارپیچ سکوت» داریم که می‌تواند تا حدودی تبیین‌کننده همین وضعیتی باشد. این مارپیچ به یک‌باره می‌شکند. اگر این عامل اولیه که یک گردهمایی و شعار علیه دولت وقت و تبدیل شدنش به شعار علیه کل حاکمیت شد را کنار بگذاریم و روی علت‌ها کار کنیم، می‌توان گفت خاستگاه ناآرامی‌های ۹۶ در شهرهایی که از روستا به شهر تبدیل شده بودند، رخ داد. افرادی بودند که به مرور دچار محرومیت شده و فقیر شده بودند و به خصوص «اقتصاد آب» و معیشت وابسته به آب به شدت رو به افول بود. بحران آب و معیشت و محرومیت و نداشتن زمینه حرکت اجتماعی و حتی تفریح با هم ترکیب شده بود. ناآرامی‌های ۹۸ هم بیشتر حاشیه‌نشینان شهری بودند. فقر حاشیه‌نشینی بسیار خشن‌تر و بدتر از فقر روستایی است چون فقر ادراک شده با احساس بی‌عدالتی و نابرابری، پدیده فقر مقایسه‌ای است. افرادی که در حاشیه زندگی می‌کنند، دست به مقایسه می‌زنند. در ۹۸ گرانی بنزین مثل یک درجه روی ۹۹ درجه برای جوش آوردن آب عمل کرد.

حال به نظر من چیزی که امروز با آن مواجه هستیم چند علت دیرین مزمن شده و یک سری علل جدید دارد. یکی از علت‌ها تحولات جمعیتی است که این تحولات جمعیتی به رسمیت شناخته نشد و تغییرات ارزشی جمعیتی هم اصلاً جدی گرفته نشد. در زمینه اعتراضات اخیر تغییرات کیفی جمعیت و ارزش‌های تغییر یافته بسیار مؤثر بوده

در نخستین روزهای تلخ پس از فوت «مهسا امینی» اتفاقاتی در کشور شروع شد که بار دیگر جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران را به تعمق در آنچه که زیر پوست جامعه ایران می‌گذرد، واداشت. واقعیت این است که فراتر از عواطف و احساسات، باید واکنش جامعه به این رخسداد تلخ را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد تا تغییرات اجتماعی فهم و تحلیل شود. در این راستا پایگاه اطلاع‌رسانی جماران با «علی ربیعی» استاد دانشگاه و وزیر پیشین رفاه اجتماعی به گفت‌وگو نشست.

■ ■ ■

■ **چه زمینه‌هایی وجود داشت که مرگ مهسا امینی به این شکل گسترده و فراگیر در جامعه بازتاب پیدا کرد؟**

علت اتفاقات و رخدادهایی در این سطح را نباید صرفاً به یک موضوع خاص مرتبط کنیم. موضوعاتی این چنین به تعبیری مثل یک اثر پروانه‌ای یا به تعبیر دیگری مثل شوک ناگهانی به جامعه، عمل می‌کنند و سبب می‌شود مسائل مزمن شده به حالت انفجاری سرباز کنند. اگر علت یک حرکت اجتماعی بزرگ را به یک موضوع محدود کنیم، به نظر من تقلیل‌گرایانه به مسئله نگاه کرده‌ایم و درک ما از پدیده‌ای که دارد رخ می‌دهد، درست و کامل نخواهد بود.

بسیاری از ناآرامی‌های شهری در ۳۰ سال گذشته همین‌طور بوده است. مثلاً دورهای توهین به یک جانباز توسط یک دستگاه اجرایی در شیراز عامل حرکت شد. در اراک تخریب یک خانه توسط شهرداری، در اکبرآباد اسلامشهر تهران گران شدن نرخ مینی‌بوس و... همین‌طور بود. در مشهد هم که از کوی طلاب شروع شد اگر اشتباه نکنم، علت آنجهم شهرداری بود. اینها عواملی هستند که نارضایتی‌های نهفته و بغض‌های مزمن شده را به یک‌باره به سطح می‌آورند و معمولاً انفجاری عمل می‌کنند.

علل مختلفی که در لایه‌های پایین اجتماعی شکل گرفته و به آنها «علل وجودی» می‌گویم با چشم غیرعلمی دیده نمی‌شود. هر اتفاقی مثل مرگ انگیز مهسا وقتی رخ می‌دهد، این علل وجودی را به سطح می‌آورد. وقتی آب می‌جوشد تا به ۱۰۰ درجه نرسد شما هیچ جوششی احساس نمی‌کنید در حالی که این آب داغ است. چند اتفاق در جامعه ایران افتاده که این مجموعه اتفاقات، جامعه یا بخش‌هایی از جامعه را به نوعی حالت تعرضی تبدیل کرده است. حرمان‌های نهفته‌ای در این چند سال شکل گرفته که به علل مختلف این حرمان‌ها به تعرض تبدیل می‌شود. مثلاً سال ۸۸ باز هم یک علل نهفته در متن جامعه بود. تحقیرشدگی طبقه متوسط و احساس اینکه دارد انسداد اجتماعی و سیاسی بعد از دوره اصلاحات ایجاد می‌شود، طبقه متوسط را به میدان آورد. به نظر من آن واکنش برای این بود که می‌خواستند تغییر رفتاری در دولت ایجاد کنند.

در ۹۶ هم من منشأ شروع ماجرا را از ادامه ناآرامی‌ها تفکیک می‌کنم. برخی معتقدند (به خصوص آقای روحانی هم این اعتقاد را دارد) که در سال ۹۶ عده‌ای در مشهد می‌خواستند علیه دولت موج اعتراضی راه بیندازند و به سرعت ظرف یکی، دو ساعت به علیه خودش